info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۸۵۳
دوشنبه / ۱۰ خرداد / ۱۴۰۰
۱۹ / شوال / ۱۴۴۲
31 / May / 2021

صاحب امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان، روبه‌روی ماه‌گستری
تلفن: ۲۲۵۲۳۲۸۳-۲۲۵۲۳۲۴۲-۰۲۶ فکس: ۲۲۵۵۲۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۶۶۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه‌ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

قاب سبز

شوق

هر شب
از پنجره ی شوق
می آیی به حجم اتاقم
عطر افشانی می کنی
بسترم را تا سپیده
تلنگرمی زنی
به شیشه ی احساسم
از پشت دیوار دلم
سرک می کشی خورشید وار
باور می سازی امیدم را
درخشان است آینده‌ام

بهروز قاسمی(رها)

یادداشت

مرگِ بلیغ هنرمند

این روزها به شـــنیدن بســـیاری از نام‌ها می‌توانیم بگوییم: «غایب» نام‌هایی که نمی‌توان غمِ غیبت‌شان را بی‌لکنت بر زبان آورد؛ در تقویم کرونا، ســـهم هنر از قافله غیبت آنقدر غیرقابل باور بوده است که به حسرت و از روی دلداری خویش بگوییم: «یاران عزیز آن طرف بیشترند»

خاتقان خاطره‌های جمعـــی، مرگ بلیغ‌تری دارند و خلوت شـــدن روزگار از حضور التیام‌بخش آنها به تولید اضطراب و روان‌پریشـــی در جامعه مخاطب دامـــن می‌زند. فرق غالب غیبت اهالی هنر با دیگر غیبت‌ها را باید در القا و ایفای روحیه تاب‌آوری و تحمل‌بخشی فردی و جمعی دانست؛ فضیلتی که به غایت می‌تواند در نوزایی روانی جامعه و بهبود بداحوالی‌ها طبابت کند و به خیرخواهی و امیدواری نسخه شفا بنویسد.

اپیکور فیلسوف یونانی برتری انسان را نسبت به موجودات زنـــده دیگر در آن می‌داند که آدمی می‌تواند با اســـتفاده از ابزار فکری، عالی‌ترین لذت را برای زندگی خود تأمین کند، نه لذتی لحظه‌ای و گذرا بلکه مجموعه احساس خوشایندی که از چیرگی بر دردهای جســـمی و رهایی از مزاحمت‌ها و اختلال‌های روانی برمی‌خیزد. بدین وصف هنر می‌تواند یکی از عوامل این چیرگی باشـــد و فقدان هر کدام از هنرمندان که توازنی میان «هســـت‌ها» و «بایدها»ی زیستی ما تدارک دیده‌اند، می‌تواند خُســـران جمعی تلقی شود. سرمایه تلقی شدن هنر در ساحت اندیشه به ارتقای این اعتبار دامن می‌زند و انقطاع برخورداری از این سرمایه برای نسل‌های بعدی، وجه دیگری از درهمنداده‌تر بودن فراق هنرمندان است که فقط با یادآوری این فرضیه که آیا او به تمامی آنچه که می‌خواســـته است آفریده است و دیگر اینکه آیا تجربه و دانش او چنان که باید ثبت و ضبط شده است؟

قصدم این است بگویم که شاید بقای هنرمند به واسطه ثبت آفریده‌هایش تضمین شده باشد اما اطلاع از «خودبودگی»ها و «خودآفرینی»هاست که باید از حی و حیات هنرمند استخراج شـــود و در منظر امروزیان قرار گیرد و به فردایان پیشکش شود؛ در چنین موقعیتی می‌توان با مسأله فقدان آگاهانه‌تر مواجه شد و رنج آن را تاب آورد؛ و اصالت این گفته سوگیال را تجربه کرد که «می‌توان حتی به نحوی اسرارآمیز برای رنج سپاسگزار بود.» رنج فقدان را باید با پذیرش واقعیت فقدان تاب آورد اما گاه که سرمایه‌ای به ناگهان مفقود می‌شود این واقعیت آزاردهنده‌تر از همیشه با ما روبه‌رو می‌شود؛ از خودمان بپرسیم آیا نسل ما و نسل در راه به آبرهنرمندان هم چنان محتاج اســـت و اگر پاسخ این پرســـش بلی باشد با آنچه که اکنون می‌تواند اغراض آبرهنرمندان نام بگیرد چه سرنوشتی باید برای هنر متصور شد. پیشوند نام بسیاری از هنرمندان «هووزگار ما» «زنده‌یاد» شده است و برخی نیز به «خودمرگی» میناتلاند که مصیبت اش هیچ کم از مصیبت فقدان نیست. قطـــاع فقدان توقف ندارد؛ از هر چه و هر کس که می‌تواند از دشواری این رنج بکاهد، بخواهیم در غنیمت دانستن زندگانِ هنر و زنده‌یادانِ هنر کم نگذارند.

ارمغان بهداروند-شاعر

از تمام خوانندگان پیام آشنا می‌خواهیم، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در محله‌ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک‌های وارده» با نام تان-در صورت تمایل-منتشر شود.

SMS
۳۰۰۰۴۸۰۲۶۰۰۲۶۰

فال روز

امروز با حافظ

فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب
چنان بـــردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را
ز عشق ناتمام ما جـــمال یار مســـتغنی است
به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبا را

خواندنی

به حجم تنگ دلی‌های آفتابی من مدار حوصله‌ی هیچ کهکشانی نیست

قیصر امین‌پور

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۱۰	۰۵:۵۴	۱۳:۰۵	۲۰:۱۵	۲۰:۳۵

برگه

شیرینی یک بار پیروزی به تلخی صد بار شکست می‌ارزد.

سقراط

یادداشت

کودک به اجبار و تکلیف کتابخوان نمی‌شود

برای اغلب والدینی که فرزند دبستانی دارند این سؤال مطرح است که چطور آنان را به کتابخوانی علاقه‌مند کنند. البته این مسأله بیش از همه درباره کلاس اولی‌ها پرســـیده می‌شود. گاهی مـــادران و پدران در مواجهه با کودکی که تازه در مسیر یادگیری خواندن و نوشتن قرار گرفته نمی‌دانند که باید همچون ســـال‌های گذشته بـــرای او کتاب بخوانند یا این کار را به خودش واگذار کنند؛ افزون بر تجربه‌ای که از ســـال‌ها نویسندگی و ترجمه برای کودکان و نوجوانان پیدا کردم، در دوران معلمی‌ام، آموزگار کلاس اول هم بودم، با تکیه بر این دو تجربه متفاوت هم معتقدم بهتر است از هر دو شیوه بهره ببرند. گمان نکنند حالا که فرزند آنان کلاس اولی یا حتی دومی شده دیگر نیازی به کتاب خواندن والدین خود ندارد!

این کتاب خواندن البته بیشتر می‌تواند به قبل از خـــواب کودک اختصاص پیدا کند. می‌توان داستانی را برای قبل از خواب کودک انتخاب کرد و به شـــیوه‌ای شبیه نمایشنامه‌های رادیو بخش‌هایـــی از آن را خواند یـــا حتی بعضی قسمت‌ها را به سلیقه خود تغییر داد تا شنونده کم سن و ســـال بیشتر مشتاق شود. با این حال نباید از خرید کتاب‌های آســـان خوان، هم از نظر مضمونی و هم واژگان برای آنان غافل شد. کودکی که چهار- پنج ماه از ســـال تحصیلی‌اش سپری شده باشد وقتی با کتاب داستانی روبه‌رو شـــود که قادر به خواندن آن هســـت انگیزه زیادی پیدا می‌کند. این اتفاق از دو منظر قابل تأمل است. از طرفی علاقه‌مندی‌اش به دنیای کتابخوانی را رقم می‌زند و از ســـویی ســـبب اشتیق بیشـــتر به پیگیری درس‌های مدرسه می‌شود.

راهکار ســـودمند دیگری که والدین می‌توانند از آن بهره بگیرند کتابخوانی اشتراکی است. به این شکل که بخشی از کتاب را خودشان بخوانند و بخشی را هم به کودک بسپارند و با اشتیاق به کتاب خوانـــدن او گوش بدهند. دراین‌بین فراموش نکنیم که تشویق به کتابخوانی نباید شـــکل اجبار و تکلیف پیدا کند؛ نباید وقت و بی‌وقت گریبان کودکان را بگیریم که حالا وقت کتاب است. زمانی سراغ او برویم که خودش هم مشتاق باشد. دراین‌بین تشویق‌های غیرمستقیم هم در علاقه‌مند کردن آنان مؤثر است. به‌عنوان نمونه وقتی نوبت کتابخوانی فرزندمان شد با اشتیاق گوش بدهیم، حتی گاهی بگوییم چقدر خوب می‌خوانی، یا اینکـــه بگوییم این جای داستان چقدر قشنگ بود. مســـأله جالب‌توجه اینکه کودکان برخلاف ما تکرار را دوست دارند، یک کتاب را بارها می‌خوانند یا از ما می‌خواهند که برای آنان بخوانیم.

خسته نشویم و همراهی‌شـــان کنیم تا آنان هم به‌مرور عضوی از جامعه کتابخوان شـــوند. طی ده-بیست ســـال اخیر کتاب‌های کودک و نوجوان خوبی روانه کتابفروشـــی‌ها شده که با قدری جســـتوجو و حتی کمک گرفتن از کارشناسان یافهرست‌هایی که منتشرمی‌شوند می‌توان آنها را تهیه کرد. کتاب‌های مناســـب کلاس اولی‌ها اغلب تعداد واژگان کمی دارند و با محتوای ساده و قابل فهمی نوشته شده‌اند. آن‌طور که شنیدم حتی برخی مؤسسات نشر نظیر افق کتاب‌های مناســـب کلاس اولی‌ها منتشر کرده‌اند. البته ازنظر کیفی و اینکه چقدر مضمون آنها ازنظر روانشناســـی بررسی‌شده اطلاعی ندارم. اینها نشـــان می‌دهد که حتی ناشـــران هم بیش از گذشته متوجه ضرورت انتشار آثار مناسب کودکان کلاس اولی یا دومی شده‌اند که اتفاق خوبی است.

پروین علی‌پور
نویسنده-مترجم و روانشناس

گزارش

اگر زیاد آموختید، بدانید کتاب را درست نخوانده‌اید!

«شما از یک کتاب، حداکثر سه چهار چیز باید یاد بگیرید و اگر دیدید که از یک کتاب بیش از این آموخته‌اید، بدانید که آن کتاب را درست نخوانده‌اید.»

به گزارش پیام آشنا به نقل از شهر کتاب، آن‌چه می‌خوانیم چکیده‌ای از سخنان احمد پاکتچی، عضو شـــورای عالـــی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اســـلامی و عضو هیئت علمی دانشـــگاه امام صادق و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی درباره چگونگی کتـــاب خواندن اســـت؛ او پیـــش از هر چیز سعی دارد به تفکیک موضوع خود از مسئله تندخوانی که سال‌هاســـت به‌عنوان یک مهارت شناخته و ترویج می‌شود بپردازد: «باید توجه داشـــته باشـــیم که مقصود ما از این بحث، تندخوانی که امـــروزه به صورت یک ایدیمی درآمده، نیست؛ بلکه بحث ما در این جا در مورد چگونگی خواندن یک کتاب است. بدون این‌که سرعت آن را در نظر بگیریم. من فکر می‌کنم که اگر ما در بتوانیم صورت سوال و منظور خود را از آن مشخص کنیم، خود به خود به جواب سوال نیز خواهیم رسید. مشکلی که ما داریم، فقط در مورد کتاب نیست؛ مشکل ما در مورد هر نوع آموزش و پرورش و اطلاع‌رسانی است که اطلاع‌رسانی و آموزش از طریق یک کتاب، یکی از مصادیق آن است. گاهی اوقات در این زمینه دچار مجموعه‌ای از سوءتفاهم‌ها هستیم که از افکار سنتی و انعطاف‌پذیر ما سرچشمه می‌گیرد. از نظر ما یک کتاب‌خوان خوب کسی است که همه کتاب را به دقت بخواند و چیزی را از قلم نیندازد و اگر جایی را نفهمید، دوباره بخواند.

باید توجه داشت که بین خواندن و دانستن، فرق است و معمولا از تعبیر «فهم» برای این مسئله استفاده می‌کنند. آن‌چه برای ما مهم اســـت، این است که ملاک این فهم چیست و چـــه وقت می‌توان گفت مـــن این کتاب را فهمیدم یا نفهمیدم. کسانی که با دید انتقادی در این زمینه اظهار نظر کرده‌اند و کتاب و مقاله نوشته‌اند، می‌گویند: کسی که کتابی نوشته است، با یک انســـجام فکری و فهم عمیق از مطلب، شروع به نوشـــتن کرده است. وقتی ما این کتاب را می‌خوانیم، در حقیقت با یک اطلاع‌رسانی و یک ارتباط مواجه هستیم؛ یعنی این کتاب مثل یک سیستم مخابراتی عمل می‌کند و قرار اســـت افـــکاری را که در ذهن نویسنده بوده، به خواننده منتقل کند.»

پاکتچی در ادامه به شـــرح یک ارتباط میان کتاب و مخاطب می‌پردازد و می‌گوید: «بحث ما بر سر این انتقال است؛ یعنی آیا این سیمی که قرار است پیام را به ذهن ما برساند، درست عمل می‌کند یا خیر؟ بنابراین، کتاب ابزاری اســـت که آن فکر را از ذهن نویسنده به ذهن خواننـــده منتقل می‌کند؛ بـــا این تفاوت که توقایی بیشـــتری نسبت به یک سیم تلفن دارد. این نکته یکی از حساس‌ترین قسمت‌های این مســـئله اســـت که وقتی یـــک کتاب را می‌خوانیم، در حال برقراری یک ارتباط انسانی هســـتیم؛ منتها ابزار ارتباطی ما ویژگی‌های خاصی دارد که بایـــد آن را درک کنیم؛ مثلا وقتـــی او حرف می‌زند ما نمی‌توانیم جوابش را بدهیم و در واقع، این یک مکالمه یک‌طرفه است که کار را دشوارتر می‌کند. این محدودیت در مورد کتاب وجود دارد. اما به هر حال باید توجه داشت که کتاب نیز یک وسیله ارتباطی است و دو نقطه قرار است که به یکدیگر وصل شوند.

در این جا ما با ذهن و فکر دو انســـان مواجه هستیم، پس امواج باید طوری طراحی شوند که بتوانند این دو ذهن را به هم مرتبط سازند و آسیب‌شـــناسی قضیه نیز درست از همین‌جا آغاز می‌شـــود؛ یعنی به محض این‌که دیدیم ارتباط بین دو ذهن برقرار نشد، باید به دنبال اشکال قضیه بگردیم که چرا نمی‌فهمیم در این کتاب چه چیز نوشته شده اســـت. در واقع، کتاب‌خوانی ارتباط ذهنی میان دو انسان است که مهم نیســـت هر دو در یک زمان باشند یا نباشـــند. پس باید فکر کنیم همان اتفاقاتی که در ذهن نویســـنده رخ داده تا به این فکر منجر شده، بسیاری از آن فرایند، باید در ذهن خواننده نیز اتفاق افتد. در خواندن یک کتاب، ما از یک فاصله پشت پرده، در حالی با این افکار مواجه می‌شـــویم که تصویر روشنی از سابقه نویسنده نداریم؛ حال آن که ما می‌گوییند اگر بخواهید یک کتاب را خوب بفهمید، باید سعی کنید همان‌طور که نویسنده فکر می‌کرده فکر کنید و این چگونه ممکن است در حالی که ارتباط ما با آن شخص فقط از پس یک نوشته است و هرگز او را ندیده‌ایم؟ حتی در خیلی از مواقع، اطلاعات بیوگرافیک خیلی ساده را هم در مورد نویسنده نداریم. بنابراین با وجود این مسائل، چگونه این توقع می‌تواند به‌جا باشد؟

پاسخ این است که ما همیشه اول باید شکلی را که یک چیز باید داشته باشد، ترسیم کنیم و بعد امکانات خودمان را در نظر بگیریم. وقتی ما هدف را درست تعیین کنیم و صورت مسئله را درست متوجه شویم، آن وقت سعی می‌کنیم که امکانات را نیز به دست آوریم. ممکن است کســـی بگوید: ایـــن کار دور از ذهن به نظر می‌رسد، زیرا ما در چنین علمی را داشتیم، نمی‌آمیـــم در آن زمینه کتاب بخوانیم؛ این کاری که راجع‌به آن صحبت می‌کنید، کاری است مشکل‌تر و مهم‌تر از آن‌چه نویسنده اول انجام داده است.»

او در ادامه به بیان جزئیات بیشتری از چگونگی مواجهه با کتاب در حین مطالعه می‌پردازد: «در پاسخ به مسئله، باید عرض کنم که خیر، در این مورد، توصیه‌های عملی هم وجود دارد. در برخورد با هر کتاب یا مطلبی، فورا باید جایگاه و استراتژی خودمان را تعریف کنیم. چنان‌چه وقتـــی در طول روز با افـــراد مختلف مواجه می‌شویم، جایگاه خودمان را با آن فرد در نظر می‌گیریم و براســـاس آن، واکنش‌های متفاوت نشـــان می‌دهیم. ما در رعایت این مسائل، در ارتباط‌های حضوری موفقیت بیشـــتری داریم، ولی وقتی با کتاب برخورد می‌کنیم، ناگهان این درجه موفقیت را از دست می‌دهیم. علت هم این است که نسبت به مخاطب خود توجه نداریم. در ارتباط‌های حضوری، دو طرف وجود دارد: من و مخاطب من؛ وقتی من به نسبت موفقم، معنی‌اش این است که هم در برآورد خود نســـبت به جایگاه خودم و هم در برآورد خود نســـبت به طرف مقابـــل به یک توفیق نسبی دســـت یافته‌ام. در کتاب‌خوانی هم دو طرف وجود دارد: من و مخاطب من. وقتی من موفق نیستم، یعنی نمی‌توانم درست تشخیص دهم که کتاب مورد مطالعه از چه جایگاهی برخوردار است؛ به عبارت دیگر، روابط خودم را با آن تنظیم نکرده‌ام. این یکی از پارامترهای مهم و تعیین‌کننده در جهت درست خواندن اســـت. اگر ما توانستیم تشـــخیص خوبی از مخاطب پیدا کنیم و بدانیم چه کتابی داریم می‌خوانیم، قطعا گام مهمی را در جهت بهتر خواندن کتاب برداشـــته‌ایم؛ اما این تمام کار نیست بخش دیگری از کار به ساختار متنی خود کتـــاب برمی‌گردد؛ چیزی کـــه آدلر - فیلسوف آمریکایی - بیش از همه به آن توجه کرده است. در هنگام خواندن یک کتاب باید بدانیم چه ســـلائقی در ذهن نویسنده مطرح بوده است؛ به چه فرضیه‌هایی می‌خواســـته برسد و براساس چه سیستمی کتابش را طبقه‌بندی کرده است. وقتی که این مطالب خیلی شفاف و روشن در کتاب مطرح شده است؛ به‌خصوص در مورد ســـرفصل‌ها و فهرست‌ها این روش خیلی جا افتاده اســـت؛ اما باید توجه داشته باشیم که فهرست مطالب، تنها جنبه راهنمایی برای جستجو دارد و فهرست مطالبی که ما به دنبال آن هستیم؛ این نیست. هدف ما این است که بفهمیم در مغز نویسنده چه گذشته است. گاهی فهرست مطالب طوری انتخاب می‌شود که بیان‌گر سرفصل‌های اصلی - که در ذهن نویســـنده بوده - نیست؛ مثلا وقتی نویســـنده می‌خواهد یک مطلب را در لفافه بگوید در فهرست مطالب، جایگاهی را برای آن در نظر نمی‌گیرد.

دیگر این‌که در تنظیم ســـرفصل یک کتاب، مسائلی مانند ذهان عمومی، مسئله ملاحظات گوناگون اجتماعی و - موثر اســـت؛ بنابراین نباید تصور کرد که سرفصل‌هایی که به عنوان فهرست مطالب چاپ می‌شود، عینا منطبق بر آن چیزی است که ما برای بازسازی طرحی که در مغز نویسنده بوده، به دنبالش هستیم؛ ولی قطعا به شما کمک می‌کند؛ یعنی شما می‌توانید از فهرست مطالب موجود اســـتفاده کنید، آن را در مورد بررســـی و ویرایش قرار دهید و متن ویراســـته خود را ملاک عمل قرار دهید نه فهرست مطالب چاپ‌شده را؛ ضمنا برای این‌که به ســـوالات و فرضیات برســـد، می‌توانید از امکانات موجود اســـتفاده کنید؛ یعنی از نظر علمی، قاعده بر این اســـاس است که فرد در یک فصل ســـوالی را مطرح کند، به نتیجه‌ای برسد و ســـپس وارد فصل بعدی شود. حالت دیگر این است که در یک فصل، عناصر مختلفی را با هم بیامیزد؛ تا از آن نتیجه‌گیری کند. شما خیلی راحت با تشخیص این‌که یک کتاب از چه سیستمی استفاده کرده می‌توانید جایگاه خودتان را نسبت به آن مشخص کنید؛ بعد به فهرست مطالب مراجعه کنید و پس از بازیابی مشخص کنید که کدام یک از بحث‌ها، به کدام یک از مطالب مربوط می‌شـــود و در بعضـــی از موارد نیز اصلاحات لازم را به عمل آورید؛ یعنی متوجه می‌شوید که نویسنده به خاطر ملاحظاتی ممکن اســـت مدار فکری خویش را بد مطرح کرده باشد. همه این موارد در یک بررسی مشـــخص خواهد شد؛ اگر به این صورت با یک کتاب برخورد کنید، متوجه می‌شوید که میزان بهره‌برداری شما از کتاب تا چه اندازه افزایش خواهد یافت.»

احمـــد پاکتچی همچنین یادآور می‌شـــود: «کتاب‌های که لازم اســـت تذکر دهم این است که شما از یک کتاب، حداکثر سه چهار چیز باید یاد بگیرید و اگر دیدید که از یک کتاب، بیش از این آموخته‌اید بدانید که آن کتاب را درست نخوانده‌اید.»

پی‌نوشت: این مطلب در کتاب ماه دین، آبان ۱۳۸۹ - شماره ۱۵۷ منتشر و توسط صفحه زبان‌شناسی همگانی بازنشر شده است.

بریده جراید

وظیفه فرهنگستان‌ها نظارت بر بنیادهای علمی کشور است

ایسنا-یک عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: فرهنگستان برای هر علم ســـرای خاصی دارد که به وازه‌سازی مخصوص همان علم می‌پردازند و وظیفه فرهنگستان توجه به مسائل علمی مرتبط با تخصص خود است.

محمدجعفر یاحقی در گفت‌وگو با ایسنا در خصوص معرفی فرهنگستان جمهوری اسلامی، اظهار کرد: فرهنگستان یک نهاد علمی است که زیر نظر بالاترین مقامات کشور اداره می‌شود. وظیفه فرهنگستان توجه به مسائل علمی مرتبط با تخصص خود است.

وی افزود: درحال حاضر چهار فرهنگستان زیرمجموعه فرهنگستان جمهوری اســـلامی هستند که هر کدام در مســـیر مربوط به خود فعالیت می‌کنند. این فرهنگستان‌ها شامل فرهنگستان علوم پزشکی، فرهنگستان علوم، فرهنگستان هنر و فرهنگستان زبان است. در میان این فرهنگستان‌ها فرهنگستان زبان به واسطه کارکرد عمومی که دارد شناخته‌شده‌تر است.

این عضو هیات علمی گروه ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد در رابطه با فرهنگستان زبان، ادامه داد: فرهنگستان زبان از سال ۱۳۶۹ پا گرفته اســـت و ســـومین دوره فرهنگستان زبان و ادب را شکل داده است. دو دوره قبلی این فرهنگستان در زمان رژیم سابق و دوره سوم در زمان حکومت جمهوری اسلامی شکل یافت.

یاحقی خاطرنشان کرد: عموما ساختار فرهنگستان به این شکل است که عدهای به عنوان شورای اصلی فرهنگستان معرفی شده و با ابلاغ ریاســـت جمهوری مشغول به کار می‌شوند. در فرهنگستان دو گروه مشـــغول به کار می‌شوند که به گروه اصلی اعضاء پیوسته که دائمی هستند اطلاق می‌شود که از بین اعضاء شاخص کشور در حوزه خود انتخاب می‌شوند. گروه دوم نیز شامل اعضاء وابسته است که موقتی هستند. بخش‌های مختلف فرهنگستان شامل واژه گزینی، لهجه‌ها، دستور زبان، زبان‌های باستانی و مطالعات ادبی می‌شود.

این اســـتاد برجسته زبان و ادب فارسی تشریح کرد: در فرهنگستان زبان حدودا ۳۰۰ عضو وابسته و پیوسته فعال هستند که برنامه‌های مختلفی دارند. درحال حاضر چندین دانش‌نامه در فرهنگستان منتشر شده است. برای مثال ۱۲ جلد از دانش‌نامه زبان و ادب فارسی، ۵ جلد دانش‌نامه شبه قاره و دانش‌نامه آسیای صغیر و- منتشر شده است. هر گروه در این فرهنگستان مجله مرتبط با خود را منتشر می‌کنند که تمامی آن‌ها در سطوح بالا و توسط متخصصان حوزه خود منتشر می‌شوند. این گروه‌ها شامل گروه ادبیات تصویری، گروه دستور، گروه گویش‌شناسی و گروه تحقیقات ادبی و مجله نامه فرهنگستان می‌شود.

وی بیـــان کرد: مجله «نامه فرهنگســـتان» از قدیمی‌ترین مجلات فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که تمام دیگر مجلات باتوجه به معیارهای آن مجوز انتشار دریافت می‌کنند. فعالیت عمده فرهنگستان فرهنگ نویسی است. این بخش از اعضاء بسیاری تشکیل شده است که فرهنگ‌های بزرگ و جامعی را تشـــکیل می‌دهند. دو جلد از این فرهنگ جامع زبان فارسی منتشر شده است اما باتوجه به مفصل بودن این مبحث تصور می‌کنم حداقل ۲۰ جلد دیگر منتشر شود.

این عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: آنچه که برای مردم در رابطه با فرهنگستان زبان و ادب فارسی دارای اهمیت است بخش واژه گزینی است. واژه‌گزینی دارای یک گروه و شاخه‌های متعدد است. برای مثال هر یک از واژه‌های پزشکی، ریاضی، کشاورزی و- دارای گروه و شورای مخصوص به خود هستند. این گروه‌ها کلماتی که نیازمند ورود به جامعه هستند را انتخاب و در معرض نظر خواهی قرار می‌دهند.

این عضو هیات علمی گروه ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد اظهار کرد: در حال حاضر در رشته‌های مختلف مجلات مختلفی با عنوان هزار واژه منتشر شده اســـت که معادل‌های فرهنگی لغات تخصص‌های مختلف را انتخاب و در معـــرض داوری صاحب نظران قرار می‌دهند تا بعد از تایید آن‌ها مورد تصویب قرار گیرد. همچنین در فرهنگستان گروه‌های پژوهشی خاصی حضور دارند که وظیفه آن‌ها برقراری ارتباط با بخش‌های دیگر جامعه مانند آموزش و پرورش، صداوسیما، مطبوعات و- اســـت. به صورت کلی وظیفه این گروه‌ها هم‌افزایی و هم‌پوئی با گروه‌های مختلف کشور است.

یاحقی افزود: فرهنگستان‌ها در تمام کشورها نهادهای علمی سطح بالایی هســـتند که فعالیت‌هـــای بنیادی انجـــام می‌دهند. وظیفه فرهنگستان‌ها نظارت بر بنیادهای علمی کشور است. برای مثال نظارت فرهنگستان زبان بر آموزش زبان در سطح کشور مانند مراکز علمی دانشگاهی است. البته در کشور ایران تعامل با فرهنگستان‌ها خیلی جا افتاده نیست و همه ارکان خود را نیازمند فرهنگستان‌ها نمی‌دانند و حتی گاهی در تعارض با فرهنگستان قرار می‌گیرند.

وی ادامه داد: فرهنگستان نقش نظارتی ندارد و بیشتر برای هم‌فکری و مشـــارکت با ارکان دیگر در جهت بهبود عملکرد آن‌ها ایجاد شده است. تعامل میان فرهنگستان‌ها و ارکان دیگر همیشه مطلوب نیست و در خیلی از اوقات ارکان دولتی به صورت خود سرانه عمل می‌کنند. در نتیجه چنین اتفاقی آن هدف و انتظاری که شایسته است ایجاد نمی‌شود.

این عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی تشریح کرد: در نمونه‌ای دیگر از فعالیت‌های فرهنگســـتان زبان و ادب می‌توان به ارتباط میان این فرهنگستان با آموزش و پرورش اشـــاره کرد. این گروه تا حد خوبی فعال اســـت و نظارت خوبی برای حل مشکلات کتاب‌های آموزش و پرورش دارد.

این عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد بیان کرد: فرهنگستان جنبه مشورتی و تجویزی دارد. فرهنگستان همواره تلاش می‌کند نهادها را راهنمایی کند، اگر برخی اوقات نهادها مسیر خود را طی می‌کنند. فرهنگستان اغلب با وزارت علوم، وزارت آموزش و پرورش، صداوسیما، نهادهای علمی و پژوهشـــی، مطبوعات و وزارت ارشاد ارتباط دارد و برای این گروه‌ها خط و مشی تعیین می‌کند. این نهادها همیشه از خط و مشی‌های فرهنگستان حمایت نمی‌کنند و معمولا به صورت سرخود عمل می‌کنند به همین دلیل انتظار معمول فراهم نمی‌شود.

یاحقی خاطرنشـــان کرد: از آنجایی که کتاب‌های منتشـــر شده در فرهنگستان معمولا از فیلترهای خیلی بالا عبور می‌کند و معمولا تحت نظر افراد شاخص منتشر می‌شوند، از قابلیت ارجاع بالایی برخوردار هستند. فرهنگستان در حوزه نشر و انتشار، ترجمه و تالیف در سطوح علمی مختلف با هدف گسترش زبان فارسی نظارت دارد. حاصل کار فرهنگستان تالیف کتاب و مقاله است که معمولا به صورت بی‌صدا منتشر می‌شوند.